



مدرسه جدید در واقع آزمایشگاه یادگیری است. کتابخانه قسمت اساسی و اصلی آموزش و پرورش به شمار می‌رود. مدرسه‌ای که کتابخانه‌ای برای دانش‌آموزان خود ندارد همچون مکانیکی است که هیچ‌گونه وسیله کار و فعالیت ندارد. [۱]

کتاب‌های آموزشی به نگاهی تازه



علاء نوری

مقدمه

در این مقاله تلاش شده است تا با توجه به رشد سرسام‌آور دانش بشری، جایگاه کتاب‌های آموزشی بازشناسانده شوند. به این منظور لازم است، ابتدا تصویری از آنچه «انفجار اطلاعات» نامیده می‌شود، به دست آید. با این نگاه، مفهوم اضطراب اطلاعات و ضرورت بازنگری به روش‌های آموزشی و برنامه‌های درسی مطرح می‌شود و مواردی از آنچه روش‌های موجود آموزش را به چالش می‌کشد، ذکر می‌گردد تا ضرورت آموزشی که هدف خود را «آموزش تحول» قرار می‌دهد، بیان شود.

در آموزش تحول‌آفرین، سواد مفهوم سنتی خود را از دست می‌دهد و از آن به‌عنوان سواد معنادار و پویا یاد می‌شود؛ تا مفهوم و رنگ تازه‌ای پیدا کند. در رویکرد نوین به آموزش و سواد، کتاب‌های آموزشی نقش تازه‌ای می‌یابند و با نگاه تازه‌ای به آن‌ها توجه می‌شود. کتاب‌های آموزشی و سایر منابع اطلاعاتی، ابزارهای نوین آموزشی به شمار می‌آیند.

در قسمت اول مقاله، «رشد سرسام‌آور دانش»، «جایگاه آموزش» و «تحول آموزشی برای آموزش تحول» مطرح می‌شود. و در قسمت دوم، به «سهم کتاب‌های آموزشی در آموزش برای دیگرگونی» و «ورود کتاب‌های آموزشی به کلاس‌های درسی» توجه می‌شود. سرانجام، این مقاله با پیشنهاد استفاده از کتاب‌های آموزشی در فرآیند آموزش در چهار زمینه متفاوت، پایان می‌یابد.

رشد سرسام آور دانش

از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی به بعد، تکرار واژه‌ی «انفجار اطلاعات» روزبه‌روز بیش‌تر شده است. زیرا مقدار دانش بشری که پیش از این در روندی قابل پیش‌بینی افزایش یافته است، اینک به‌طور تصاعدی فزونی گرفته است؛ آن هم به‌جای تصاعد عددی، به صورت تصاعد هندسی! می‌گویند: «دانش علمی هنگام مرگ ما، بیش از صد برابر زمان تولد ماست.» و نیز: «۹۵ درصد دانشمدانی که از ابتدای تاریخ تاکنون در دنیا زیسته‌اند، معاصر ما هستند!» به نظر می‌رسد نیم عمر دانش بشری،

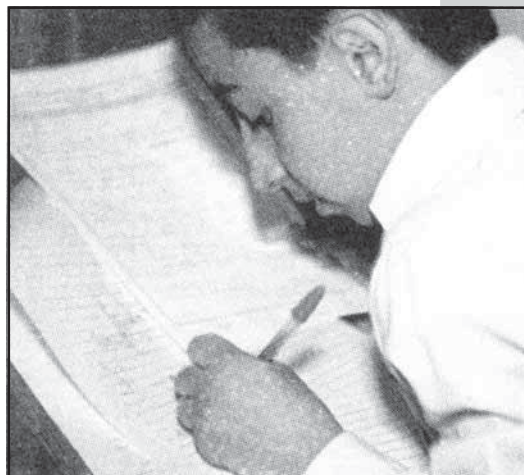
به‌ویژه در زمینه‌ی علوم و فناوری به‌طور متوسط بین ۳/۵ تا ۵ سال است. به بیان دیگر، هر ۳/۵ تا ۵ سال، نیمی از دانش علمی بشر مورد تجدید نظر، بازننگری و جایگزینی قرار می‌گیرد. البته نیاز نیست برای اثبات رشد سرسام‌آور دانش بشری، به‌چنین آمارهایی استناد کنیم. کافی است به شمار پایگاه‌های اطلاع‌رسانی شبکه‌های جهانی اینترنتی نگاهی بیندازیم، حجم چکیده‌ها و مقاله‌های علمی را جست‌وجو کنیم، سری به نشریه‌های علمی دنیا بزنیم و...

همه‌روزه، حدود هزار جلد کتاب

جدید در سراسر دنیا چاپ می‌شود. اطلاعاتی که در سی سال گذشته تولید شده است، از مجموع اطلاعاتی که در طول پنج هزار سال گذشته ایجاد شده، بیش‌تر است. ریچارد وارمن^۱، با چنین استناداتی، روی دیگری از انفجار اطلاعات را به ما نشان می‌دهد. وارمن سخن از لزوم یادگیری مهارت‌های تازه‌ای به میان می‌آورد، مهارت‌های تازه‌ی مورد نظر او، بیش از آن‌که مهارت به‌کارگیری ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی و کاربری فنی این ابزارها باشند، مهارت‌های جمع‌آوری اطلاعات مناسب، گزینش آن‌ها و استفاده‌ی مناسب از آن‌ها هستند.

به نظر می‌رسد، دل بستن به برنامه‌های رسمی و دیرپا که از گذشته‌های دور تاکنون دوام آورده‌اند، چاره‌ی کار نیست

وارمن معتقد است، دست یافتن به این مهارت‌ها نوعی اضطراب‌نوین را فراهم آورده است؛ اضطرابی که آن را «اضطراب اطلاعات» می‌نامد و از آن به‌عنوان شکافی که روزبه‌روز در حال افزایش است، یاد می‌کند. او می‌گوید: اضطراب اطلاعات، «گودال سیاهی است بین داده‌ها و دانش» و وقتی اتفاق می‌افتد که داده‌های زیادی در اختیار داریم که می‌توانند، اطلاعات بسیاری برای ما فراهم آورند، اما اطلاعاتی را که ما می‌خواهیم یا نیاز داریم، به ما نمی‌دهند [۲].



به دنبال داشته باشند، چالش‌های اساسی آموزش و یادگیری عبارتند از:

۱. حجم وسیع و نوشونده‌ی اطلاعات: هیچ برنامه‌ی درسی، کتاب درسی و زمان آموزشی چنان وسعتی ندارد که بتواند اطلاعات جدید دانش بشری را در خود جای دهد؛ صرف نظر از این که با وجود امکانات نوین چاپ و تکثیر، هزینه‌های فزاینده و فشارهای اقتصادی مانع از تغییر مداوم محتوای کتاب‌های درسی است.

۲. آموزش برای فردا: اگر قرار باشد دانش‌آموزان را برای فردا آموزش دهیم، لازم است دانش‌فردا را به درستی مشخص کنیم تا پیش‌نیازهای آن را در برنامه‌ی درسی بگنجانیم. اما باز هم سرعت تولید دانش سریع‌تر از آن است که بتواند به تدوین یک برنامه‌ی درسی بینجامد.

۳. علاقه و انگیزه: بی‌علاقگی دانش‌آموزان به آموزش‌های رسمی که به دلیل محدودیت امکانات رسمی و سازمان‌های غیرکارآمد آموزشی روبه‌افزایش است، مشکل دیگری است. کتاب‌های درسی مملو از حقایق، فهرست داده‌ها، اطلاعات عملکردها، تاریخ، فرمول و پرسش‌های فراوان است که دانش‌آموزان کم‌تر به آن‌ها رغبت نشان می‌دهند. دیگر دوره‌ی آن گذشته است که دانش‌آموزان با این جمله‌ی معروف که «این

جایگاه آموزش

در چنین فضای هیجان‌آور، انتظارات از نهادهای آموزشی دوچندان می‌شوند. نظام رسمی آموزش و پرورش را به نقد و چالش می‌کشند و در مسیر تحولی‌گریز ناپذیر قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد، دل بستن به برنامه‌های رسمی و دیرپا که از گذشته‌های دور تاکنون دوام آورده‌اند، چاره‌ی کار نیست. از طرف دیگر، برنامه‌هایی که هر ساله بدون اندیشه و تمهید و تدارک سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم تغییر می‌کنند، و هرگز به عنوان یک «بسته‌ی کامل آموزشی» ارائه نمی‌شوند نیز، نمی‌توانند نیازهای آموزشی جدید را پاسخگو باشند.

فراتر از این که برنامه‌های درسی همچنان چارچوب محکم دیرین خود را حفظ کنند و یا هر روز دستخوش تغییر شوند و سردرگمی معلم و دانش‌آموز را برای آن که چه درس بدهد و چه بیاموزد،

اطلاعات روزی به کار خواهد آمد»، قانع شوند. آن‌ها به دنبال رغبت‌ها و علاقه‌ی خود هستند.

۴. کتاب‌های غیرقابل خواندن: صاحب‌نظرانی چون هاروی دانیلز و استون زمل من^۲ معتقدند: «اغلب کتاب‌های درسی، مثل دایرةالمعارف‌ها و فرهنگنامه‌ها، جزو

کتاب‌های مرجع محسوب می‌شوند این کتاب‌ها غیرقابل خواندن، سطحی، آشفته، مستبدانه و نادرست هستند. از این بدتر، هر لحظه که دانش‌آموز سرش را در یک کتاب درسی هزار صفحه‌ای فرو می‌برد و غرق مطالعه می‌شود، به منزله‌ی از دست دادن زمانی است که برای

مطالعه‌ی واقعی باید صرف می‌شد؛ مطالعه‌ای که افراد متفکر و کنجکاو در خارج از مدرسه انجام می‌دهند و می‌تواند عادت یک عمر مطالعه را در آن‌ها به وجود آورد و اشتیاقی واقعی برای یادگیری ریاضیات، علوم، تاریخ، ادبیات یا هنر را موجب شود. خلاصه این که افراد زیرک عموماً کتاب‌های درسی مدرسه‌ها را نمی‌خوانند و به جای آن، به مطالعه‌ی روزنامه و مجله و سایر کتاب‌های

غیرداستانی می‌پردازند.»

۵. رسانه‌های جذاب‌تر: در سال‌های اخیر، برای تصویرسازی، صفحه‌آرایی و جذابیت بصری کتاب‌های درسی تلاش زیادی شده است، اما همین تلاش در میان کتاب‌های آموزشی غیردرسی نیز به چشم می‌خورد. صفحات یکنواخت سیاه و سفید جای خود را به

صفحات رنگی دارای قسمت‌های گوناگون، نمودارها، مطالب زنده و جالب داده‌اند و از سوی دیگر، ناشران دریافته‌اند که دنیای بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت و فیلم‌ها و CDهای رنگارنگ، رقیب جدی آن‌ها می‌باشند.

۶. آموزش‌های آزمون‌محور: در

نظام‌های آزمون‌محور که همه‌ی تلاش‌های آموزشی در نهایت با یک آزمون کتبی محدود سنجیده می‌شوند و نتایج همین آزمون، ملاک ارتقای دانش‌آموزان تلقی می‌شود، معلمان به طور فزاینده‌ای همان مطالبی را آموزش می‌دهند که آزمون می‌شوند. این سؤال بارها از سوی دانش‌آموزان مطرح می‌شود که: «آیا این موضوع در امتحان می‌آید؟» اگر پاسخ داده شود که موضوع ربطی به آزمون‌های تدارک

تا وقتی مدرسه‌ها از نمره‌های آزمون‌ها به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی و کیفیت فعالیت دانش‌آموزان سود می‌برند، در تجدید نظر نسبت به واقعیت آموزش دچار مشکل خواهیم بود



دانش‌آموزانی روبه‌رو هستیم که اطلاعات آن‌ها از معلمانشان بیش‌تر است. تعداد این دانش‌آموزان هر روزه افزون می‌گردد. به بیان دیگر، دانش‌آموزان

بسیاری به مدرسه می‌آیند که تجربه‌های زیادی در ارتباط با مهارت‌های زندگی ندارند، ولی دانش‌ها و اطلاعات گوناگونی دارند. لازم است معلمان به این دانش‌آموزان کمک کنند، تا داده‌ها و اطلاعات خام خود را به دانش قابل استفاده تبدیل کنند و بتوانند، بر پایه‌ی آن بیندیشند، قضاوت کنند و به درستی تصمیم بگیرند» [۲].

تحول آموزشی برای آموزش تحول

از آنچه تاکنون ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت، از یک سو نیازمند آموزش مهارت‌های جدید در آموزش هستیم، و از سوی دیگر، کتاب‌ها و روش آموزشی کنونی پاسخگوی نیازمندی‌های جدید آموزشی نیستند. شاید این موضوع را بتوان در مقدمه‌ی کتاب «آموزش هزاره‌ی نو» که توسط «مؤسسه‌ی بین‌المللی آینده‌ی پایدار» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، به خوبی مشاهده کرد. در این مقدمه آمده است:

دیده شده ندارد، این اعتراض جدی مطرح می‌شود که: «چرا آموزش داده می‌شود؟ چرا وقت ما بیهوده هدر می‌رود؟» در نتیجه، معلمان نیز معتقد می‌شوند، آنچه را باید در برنامه درسی خود قرار دهند و هدف‌های آموزشی قلمداد کنند که در آزمون‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرند.

این موضوع یکی از دشواری‌های جدی نظام آموزشی است؛ آن‌چنان‌که آیزنر می‌گوید: «تا وقتی مدرسه‌ها از نمره‌های آزمون‌ها به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی و کیفیت فعالیت دانش‌آموزان سود می‌برند، در تجدید نظر نسبت به واقعیت آموزش دچار مشکل خواهیم بود.» هدف اصلی آموزش این نیست که دانش‌آموزان بتوانند تکالیف معین و محدود تدریس شده را انجام دهند، بلکه هدف این است که به آن‌ها کمک کنیم تا در زندگی بیرون از مدرسه موفق باشند» [۲].

۷. دانش‌آموزان پیشرو: در پرتو فناوری‌های جدید، آن‌چنان‌که گری مارکس^۳ می‌گوید: «ما به تدریج با

«... به رغم همه‌ی دگرگونی‌های فناوری آموزشی، کسانی هستند که نمی‌توانند یاد بگیرند و از مدرسه بیزارند؛ گویی در دنیای بی‌سواد و هرج و مرج زندگی می‌کنند. در چنین موقعیتی، امیدواریم با پیشنهاد راهبردها و طرح‌هایی به منظور پی‌ریزی جامعه‌ی جهانی برای تحول آموزشی خودمان، راهکارهایی بیابیم. تکلیف ما ایجاد تحولی است که ابزارش آموزش است.»

انسان موجودی یادگیرنده است. بدون یادگیری می‌میریم. یادگیری جریان‌ی مادام‌العمر است. یادگیری فرایندی است برای توسعه، برای ساختن جامعه‌ای نوین و برای طراحی آمیزه‌ای مطلوب، یادگیری تکامل‌تدریجی است.

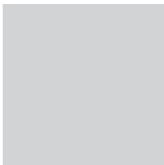
دنیا با سرعتی سرسام‌آور تغییر می‌کند. همه‌ی فناوری‌های مهم دنیا در شاهرهای قرار گرفته‌اند که به دگرگونی همه‌ی ابعاد زندگی بشر و کره‌ی زمین منتهی می‌شود؛ آن هم فراتر از پرآشوب‌ترین تصویرهایی که در تخیل بهترین آینده‌شناسان می‌گنجد.

«مجموعه‌ی فناوری‌هایی که اینک در دسترس بشر قرار دارند، تحولی اساسی را در یادگیری و آموزش رقم زده‌اند. دیگر نظام‌های کلاسیک آموزش، مشتمل بر دانش‌آموز، کتاب، کلاس، آزمون، آموزگار و بسیاری از وسایل آموزشی منسوخ شده‌اند. در پرتو انقلاب فناوری، فرصت‌هایی برای یادگیری شتابان، آسان‌تر و ارزان‌تر فراهم می‌شود که تاکنون سابقه نداشته‌اند» [۳].

در مطالعه‌ی TIMSS، بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهای گوناگون، دانش‌آموزانی که در خانه‌ی خود سه منبع کمک آموزشی: فرهنگ لغت، میز تحریر و رایانه در اختیار دارند، در مقایسه با کسانی که این امکانات را در اختیار ندارند، عملکرد بهتری دارند

مهم‌ترین تحول آموزشی برای پاسخ‌گویی به نیازها و دگرگونی‌های علمی و فناوری، توجه به مهارت‌های یادگیری به عنوان راه یادگیری است. تردیدی نیست که در دنیای متحول امروز، کسانی می‌توانند همراه با دگرگونی‌ها پیش روند

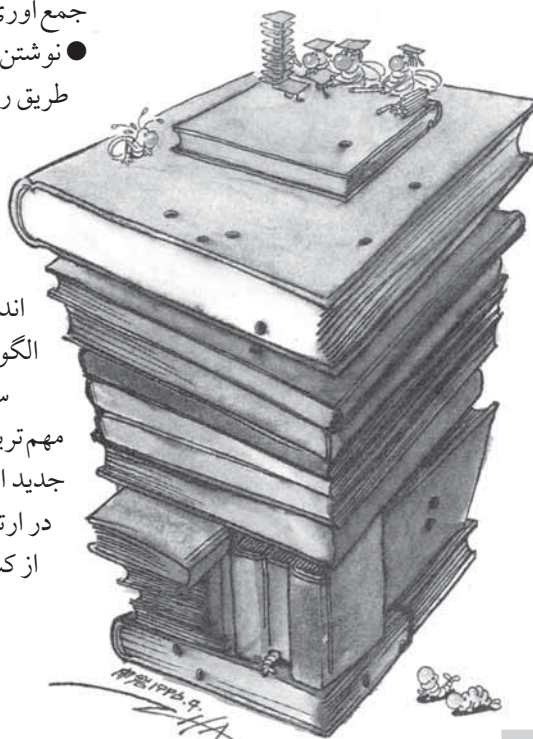
که با مهارت‌های یادگیری آشنا باشند و بر پایه‌ی این مهارت‌ها در هر زمان و هر مکان، یادگیرنده باقی بمانند. آنچه در دنیای امروز مهم است، حجم دانستنی‌ها نیست، بلکه سرعت روبه‌رشد افزون شدن اطلاعات و دانستنی‌هاست. آموزش امروز بر پایه‌ی افزایش اندوخته‌های فراگیران بنا نمی‌شود،



بلکه فرایندی هستی گرایانه به شمار می آید که می کوشد تا فراگیر، خویشتن و جهان بیرون خویش را بشناسد، بتواند در زمینه های گوناگون زندگی بهتر تصمیم بگیرد و با کامیابی و موفقیت از زندگی لذت برد.

سهم کتاب های آموزشی در آموزش برای دگرگونی

برای دستیابی به آموزشی که تربیت یادگیرندگان مادام العمر را هدف قرار می دهد، روش های گوناگونی مطرح هستند. آنچه در موضوع مقاله ای حاضر می گنجد این است که یادگیرندگان مادام العمر که «زگهواره تاگور



دانش بجوی» را عمل می کنند، به مهارت استفاده ای درست از اطلاعات و داده ها، برای تصمیم گیری نیاز دارند. برای آن ها، کتاب های درسی، در کنار دیگر کتاب ها و منابع آموزشی، راهی برای کسب اطلاعات پایه به شمار می آیند.

یادگیرندگان مادام العمر، از یک سو لازم است مهارت های به کارگیری ابزارهای نوین فناوری اطلاعات را در خود پرورش دهند و از دیگر سو، مهارت های مطالعه ای خود را وسعت بخشند. امروزه، یادگیری مبتنی بر پردازش اطلاعات است. آموزش جدید به مفهوم تازه ای از سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یافته است [۴]. در رویکرد نوین:

● خواندن یعنی: یافتن اطلاعات، از طریق جست و جو در منابع مکتوب، مشاهده، جمع آوری، ثبت و...

● نوشتن یعنی: مهارت برقراری ارتباط از طریق رسانه های متعدد و استفاده کردن از انواع اطلاعات و رسانه ها.

● حساب کردن یعنی: طراحی هدف ها و فرایندها در دنیای واقعی، تخمین فرایندها، اندازه گیری کمیت ها، مدل سازی، الگویابی و کشف و استدلال.

سوادآموزی با مفهومی پیشرفته، از مهم ترین نکات مورد قبول در آموزش جدید است که بسیاری از صاحب نظران در ارتباط با آن سخن گفته اند. بسیاری از کشورهای پیشرفته، برنامه هایی



برای بهبود وضعیت سواد خواندن و نوشتن فراگیران طراحی کرده‌اند.

الیوت آیزنر، استاد آموزش و پرورش دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه استنفورد، رسالت نوین مدرسه‌ها را در پنج هدف تدوین می‌کند و معتقد است، مدرسه‌ها باید در زمینه‌ی داوری کردن (تجزیه و تحلیل مسائل و قضاوت)، تفکر انتقادی، سواد آموزی معنادار، همکاری و مشارکت، و خدمت‌گزاری (کمک‌رسانی و یاری به دیگران) تلاش کنند، تا وظایف خود را در قبال فراگیران به انجام رسانند.

در سال ۱۳۷۶ ش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سخنرانی خود در کنگره، سه هدف مهم آموزشی خود را برای آن که آمریکاییان از بهترین آموزش در جهان برخوردار باشند، چنین ذکر می‌کند: «همه‌ی کودکان هشت ساله بتوانند بخوانند، همه‌ی کودکان ۱۲ ساله بتوانند وارد شبکه‌ی اینترنت شوند، همه‌ی جوانان ۱۸ ساله بتوانند به دانشگاه راه یابند، همه‌ی بزرگسالان از آموزش مادام‌العمر بهره‌مند شوند.»

وی به این منظور ده اصل را ذکر می‌کند که سومین اصل آن چنین است: «برای کمک به کتاب‌خوانی کودکانمان بیش‌تر تلاش کنیم.» وی می‌افزاید: «چهل درصد از کودکان هشت ساله‌ی ما نمی‌توانند به تنهایی کتاب بخوانند به همین دلیل است که طرح «آمریکا بدون کمک گرفتن

می‌خواند» را آغاز

کردیم... باید از معلمان خصوصی برای یاری رساندن به دانش‌آموزان در امر کتاب‌خوانی بهره‌گیری و این به ویژه تلاشی است برای والدین که هر شب با کودکانشان کتاب بخوانند.»

در مطالعه‌ی TIMSS، بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهای گوناگون، دانش‌آموزانی که در خانه‌ی خود سه منبع کمک‌آموزشی: فرهنگ لغت، میز تحریر و رایانه در اختیار دارند، در مقایسه با کسانی که این امکانات را در اختیار ندارند، عملکرد بهتری دارند... با افزایش تعداد کتاب‌ها در منزل، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان افزایش یافته است.

ورود کتاب‌های آموزشی به کلاس‌های درسی

تلاش بین‌المللی برای ارتقای سواد واقعی و معنادار فراگیران مدرسه‌ها یکی از راهکارهای تحول‌آموزشی است. توجه به این مهم در کشور ما نیز امری ضروری و منطقی است و شواهد آشکار و پنهان زیادی از آن حمایت می‌کنند.

سهم زیادی از بازار نشر کتاب‌های کمک‌درسی را، کتاب‌های حل مسائل و

مشابه آن‌ها تشکیل می‌دهند. کتاب‌هایی که با هدف پاسخ به پرسش‌های کتاب درسی تدوین می‌شوند و ممکن است پرسش‌هایی داشته باشند که پاسخ آن‌ها در متن درس‌های کتاب‌های آموزش و پرورش یافت می‌شود، اما برای اطمینان دانش‌آموزان از گرفتن نمره‌ی کامل در آزمون‌ها، پاسخ این‌گونه پرسش‌ها نیز ذکر شده است. هر چند در بروز و ظهور این پدیده عوامل متفاوتی می‌توانند دخالت داشته باشند، بدون تردید کمبود سواد خواندن معنادار دانش‌آموزان که آن‌ها را به سوی «لقمه‌ی جویده شده» برای هضم و جذب درس‌های مدرسه سوق می‌دهد، عامل اساسی است.

نتایج ایران در آزمون سال ۲۰۰۱ «مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن» (پرلز)^۴ نیز گواهی بر این مدعاست. این مطالعه هر پنج سال یک بار، در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، روند خواندن را در کودکان پایه‌ی چهارم ابتدایی ۳۵ کشور شرکت‌کننده از سراسر جهان ارزیابی می‌کند. از میان، این کشورها، ۲۳ کشور بالای میانگین بین‌المللی (با تفاوت معنی‌دار)، ۱۰ کشور با تفاوت معنی‌دار در پائین میانگین، و دو کشور اسلوانی و نروژ در حدود میانگین قرار دارند. کشورهای زیر میانگین به ترتیب عبارتند از: نروژ، قبرس، مولداوی، ترکیه، مقدونیه، کلمبیا، آرژانتین،

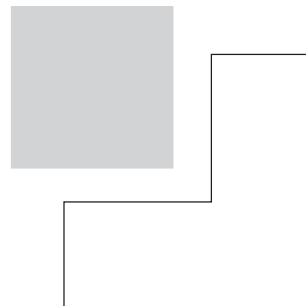
جمهوری اسلامی ایران، کویت، مراکش و بلیز [۵].

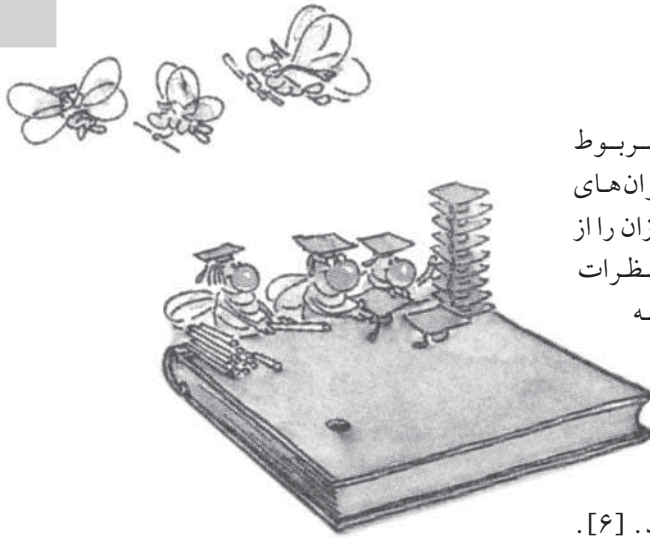
همچنین بررسی‌های نشان می‌دهند، لازم است توجه به مهارت خواندن به طور جدی در برنامه‌های آموزشی ما وارد شود و گام مهمی برای تحول آموزشی به شمار آید. این برنامه، فقط ویژه‌ی درس زبان‌آموزی و ادبیات نیست و هنگامی نتیجه‌ی مؤثری دارد که در همه‌ی درس‌ها به کار گرفته شود و جزو برنامه‌ی مدرسه قرار گیرد.

دنا هوکر تاپینگ و رویتا آن مک مانوس^۵ در مقاله‌ای، از تجربه‌های مدرسه‌ای یاد می‌کنند که در آن، به فرهنگ خواندن و نوشتن توجه می‌شود و به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا در تمام طول زندگی به مطالعه بپردازند.

در این تجربه‌ها، از روش مطالعه‌ی کاربردی SQ3R^۶ و طرح RAFT^۷ یاد می‌شود. آن‌ها در مقاله‌ی خود توضیح می‌دهند که چگونه به کمک مسؤلان مدرسه، هفته‌ای یک بار کل دانش‌آموزان وارد دوره‌ای از مطالعه‌ی خاموش می‌شوند که در آن، هر کس کتاب مورد علاقه‌ی خود را مطالعه می‌کند. سپس هر کسی واکنش خود را نسبت به آنچه خوانده است، می‌نویسد.

این طرح در کلاس علوم نیز به کار گرفته می‌شود و «معلم به دانش‌آموزان کمک می‌کند، به گنجینه‌ای از راهبردهایی دست پیدا کنند که به درس علوم و





کتاب‌های درسی پرمطلب مربوط می‌شوند. کتاب‌هایی با عنوان‌های «راهنمای خواندن»، دانش‌آموزان را از نحوه‌ی سازماندهی کتاب‌ها و نظرات کلیدی آگاه می‌کنند و به دانش‌آموزان کمک می‌کنند، درباره‌ی «آنچه می‌دانند»، «آنچه را می‌خواهند بدانند» و به آنچه که از کتاب‌ها و سخنرانی‌ها می‌آموزند، بیندیشند. [۶].

راهکارهایی برای ورود کتاب‌های آموزشی به کلاس درس

در پایان این مقاله، چند راهکار اجرایی برای ورود کتاب‌های آموزشی به کلاس درس پیشنهاد می‌شود. هر یک از این راه‌ها، مجال جداگانه‌ای برای بررسی و ارائه‌ی رویه‌ی عملیاتی مخصوص به خود می‌طلبند که فرصت دیگری می‌خواهد.

● **کتاب‌های آموزشی به عنوان محتوای تدریس:** معلم می‌تواند، به جای تدریس یک موضوع درسی با روش سخنرانی، کتاب‌ها یا مقاله‌های مناسبی را که از پیش انتخاب کرده است، در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا به شکل فردی یا گروهی، هدف‌های تدریس را از مقاله‌ها انتخاب کنند و در برگه‌هایی بنویسند، یا در مقابل دیگر دانش‌آموزان بازگو کنند، و یا برای آن‌ها طرح‌ها و مدل‌هایی ارائه دهند. این‌گونه

فعالیت‌های دانش‌آموزان جای تدریس مستقیم معلم را می‌گیرند و معلم در نقش راهنما، چگونگی استفاده از کتاب‌ها را برای کسب اطلاعات مورد نیاز به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. مهارت‌های «شکار کلمات کلیدی» برای گزینش موضوع‌های مورد نظر از یک مقاله، و «مطالعه‌ی اجمالی» برای دریافت مفهوم اصلی یک موضوع، از جمله مهارت‌های مطالعه‌ای هستند که به این طریق به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شوند.

● **کتاب‌های آموزشی به عنوان «تکالیف پربار»:** تکالیفی که متناسب با دانش‌آموزان تدارک دیده شوند، راهی برای «ادامه‌ی یادگیری»، «آماده‌سازی برای یادگیری» و یا «تثبیت و تعمیق یادگیری» به شمار می‌آیند. استفاده از کتاب‌های آموزشی در همه‌ی این موارد ممکن است. معلمان می‌توانند، به جای

تکلیف‌های یکنواخت و خسته‌کننده، کتاب‌هایی را برای مطالعه به دانش‌آموزان پیشنهاد کنند؛ با مطالعه‌ی هر کتاب، دانش‌آموزان لازم است یک موضوع مربوط به درس را انتخاب کنند و در کلاس ارائه دهند. موضوع مربوط به درس می‌تواند «تاریخچه‌ی یک علم»، «کاربرد آن در زندگی روزمره»، «راه دیگری برای ارائه‌ی آن موضوع»، «مسائل و موضوعات حل نشده در ارتباط با موضوع» و... باشد.

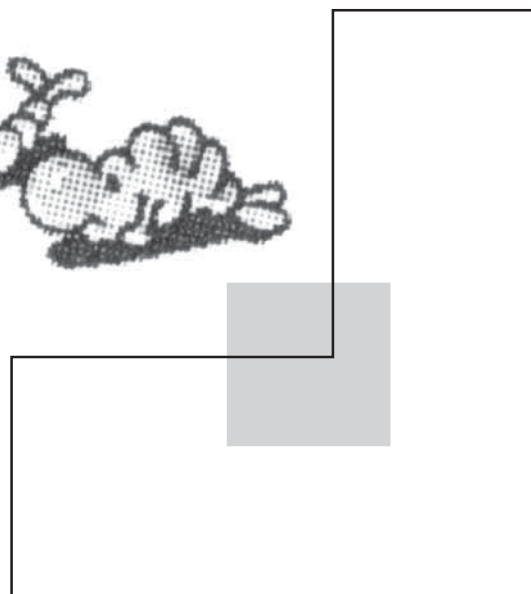
به منظور «آماده‌سازی برای یادگیری»، معلم می‌تواند با تعیین موضوع درس بعد، از دانش‌آموزان بخواهد به کتابخانه‌ی مدرسه مراجعه کنند. و کتاب‌های مناسبی در ارتباط با درس آینده انتخاب کنند و به کلاس بیاورند.

برای «تثبیت یادگیری»، خواندن کتاب یا مقاله‌ای در ارتباط با درس پیشنهاد می‌شود. معلم می‌تواند جدولی طرح کند که دانش‌آموزان با خواندن کتاب یا مقاله بتوانند، آن جدول را حل کنند. معلم می‌تواند، سؤال‌های تازه‌ای را

در ارتباط با موضوع تدریس مطرح کند و از دانش‌آموزان علاقه‌مند بخواهد، پاسخ این پرسش‌ها را در کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند، جست‌وجو کنند.

● **کتاب‌های آموزشی به عنوان فعالیت‌ها و پروژه‌های علمی:** با آموزش گام به گام تحقیق کتاب‌خانه‌ای، نوشتن مقاله‌های علمی، و یا تهیه‌ی کنفرانس علمی می‌توان دانش‌آموزان علاقه‌مند را هدایت کرد تا به عنوان فعالیت‌های علمی خارج از کلاس، در ارتباط با موضوع مورد علاقه‌ی خود کتاب بخوانند و از کتاب‌ها یادداشت بردارند، نکات یادداشت شده را در کنار هم قرار دهند و یا ترکیب تازه و مناسبی، مقاله‌ای تازه ارائه دهند. در این مسیر، دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه ابتدا سازمان و ساختار کلی موضوع مورد علاقه‌ی خود را بیافرینند و سپس در ارتباط با شاخه‌ها و موضوع‌های فرعی سازمان داده شده، مفاهیم و نوشته‌های مناسب را از کتاب‌ها پیدا کنند.

● **کتاب‌های آموزشی به عنوان راهی برای ارزشیابی:** از کتاب‌های آموزشی مناسب می‌توان برای ارزشیابی آموخته‌های دانش‌آموزان و مهارت‌های مطالعاتی آن‌ها بهره جست. معلم می‌تواند، کتاب‌های مرتبط یا مقالات



مناسب را که از پیش تدارک دیده است، به عنوان آزمون پایانی یک بخش یا واحد تدریس به کلاس بیاورد و بین دانش آموزان (فردی یا گروهی) توزیع کند. سپس از آن‌ها بخواهد، با مراجعه به کتاب‌ها و آدرس دادن از آن‌ها، پاسخ پرسش‌هایی را که تعیین می‌کند، پیدا کنند، آن‌ها را با آموخته‌های خود مقابله و مقایسه کنند، تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بازگو کنند و یا مطالب کتاب‌ها (مقاله‌ها) را براساس کتاب‌های درسی و مقاله‌هایی که هنگام تدریس از آن استفاده شده است، نقد و ارزیابی کنند.

چنین راهکارهایی باعث حضور جدی کتاب‌های آموزشی در برنامه درسی می‌شوند؛ حضوری که با هدف‌های رسمی از پیش تعیین شده‌ی درس‌های مدرسه‌ای مخالفتی ندارد و می‌تواند پشتیبان آن‌ها نیز باشد، اما زمینه‌ای برای جمع‌آوری و گزینش اطلاعات فراهم می‌آورد و دانش آموزان را به تولید دانش سوق می‌دهد. آن‌ها وقتی در جایگاه یک محقق مقاله‌ای را می‌نویسند و یا موضوعی را ارائه می‌دهند، توانمندی‌ها و قدرت‌های خود را باور می‌کنند. انتخاب کتاب‌ها توسط فراگیران بستر مشارکت بیش‌تر را مهیا می‌کند. از سوی دیگر، ورود منابع جدید اطلاعاتی، از جمله کتاب به برنامه‌ی درسی، ضعف‌های برنامه‌ی درسی ثابت را کاهش می‌دهد.

◀ زیر نویس

1. Richard S. Wurman
2. Harvey Daniels & Steven Zemelman
3. Gary Marx
4. Progress in International Reading Literacy Study (PIRLS)
5. Donna Hooker Topping & Robata AnnMc Maxus
6. ابتدای واژه‌های: Survey (بررسی کردن)، Question (پرسیدن)، Read (خواندن) و Review (مرور کردن).
7. ابتدای واژه‌های: Role (قوانین)، Audience (حاضران)، Formats (قالب‌ها) و Topics (موضوع‌ها).

◀ منابع

1. علی اکبر شعاری نژاد. ادبیات کودکان. انتشارات اطلاعات. تهران: ۱۳۶۴ (چاپ چهارم). ص ۱۰۶
2. Educational leadership. No: 4-y: 61. Des. 2003 & Jan. 2004.
3. مقاله‌های گوناگون ترجمه‌ی «شورای گزینش و ترجمه‌ی متون» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، مندرج در: مجله‌ی «پژوهش یار»، تابستان ۷۷. ص ۹۲.
4. فناوری اطلاعات در آموزش ابتدایی پیشنهادها و راهکارها. ترجمه‌ی ابراهیم طلایی. انتشارات مدرسه. چاپ دوم. ۱۳۸۲.
5. عبدالعظیم کریمی. بررسی اجمالی نتایج مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز (PIRLS). ۲۰۰۱. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، مرکز مطالعه‌ی بین‌المللی پرلز. تابستان ۱۳۸۳. (منتشر نشده).
6. مقاله‌ی «برای خواندن وقت بگذارید و لذت ببرید». ترجمه‌ی حسن سالاری. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی. سال هفتم. شماره‌ی ۳.